

## Original Article

### Analysis of Examples of Women's Reproductive Rights in Islamic Jurisprudence and Law

Shahrbanoo Hemmatian<sup>1</sup>, Maryam Aqae Bajestani<sup>2\*</sup>, Mohsen Taheri<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
2. Associate Professor Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding author) Email: Maqaib@gmail.com
3. Assistant Professor Department of Public Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Received: 13 Nov 2019 Accepted: 23 Feb 2020

#### Abstract

**Background and Aim:** Today, Women's Rights are Discussed and Emphasized in Different Ways in Different Philosophical and Political Schools of the World. One of the Manifestations of Women's Rights is Reproductive Rights, Which Have Many Sexual, Physical, Cultural, Medical-Health and Socio-Economic Dimensions. In Addition, Women's Reproductive Rights in Islam as One of The Important Dimensions of Women's Rights, Before, During and After Reproduction is Considered. Accordingly, the Purpose of This Study is to Investigate the Examples of Women's Reproductive Rights in Islamic law.

**Materials and Methods:** The Method Used in the Present Study is Descriptive-Analytical That by Collecting Data Through Documentary Sources and Libraries, the Issue of Women's Reproductive Rights Has Been Studied.

**Findings:** In Islamic Teachings, Examples of Women's Reproductive Rights Based on Their Inherent Dignity as Human Beings are Seen in Issues Such as How to Control Births, Women's Dignity, Their Rights in Educational and Health Issues, and Reproduction and Limitation of Generations. Also, the Rules of Harmlessness, Urgency and Domination, Based on the Harmlessness of New Methods of Female Reproduction, the Lack of Hardship and Hardship on Human Beings and the Domination of Women Over Their Bodies, According to the Teachings of Sharia, Can be Considered as Protectors of Women's Rights in the Field of Fertility.

**Conclusion:** Based on Women's Reproductive Rights in Islam, the Rules of Islam Focus on the Protection and Maintenance of Women in Various Matters, Including Fertility and the Factors That Support it. Considering That the Source of Rights in Terms of Islam and Islamic Law is God and His Legislation, in Order to Determine the Instances of Reproductive Rights, one Should Refer to Religious Sources and Texts and Judge the Acceptance of Customary and Sharia Law Accordingly. However, the Right to Education, the Right to One's Own Body Through Legitimate Means, the Right to Have a Number of Births and to Increase or Decrease Them, Are Examples of the Reproductive Rights of Couples and, in Particular, Women. Given This Issue, Women's Reproductive Rights, as One of the Emerging Issues, Requires the Use of Scientific and Medical Achievements Within the Framework of Sharia and Sharia Teachings.

**Keywords:** Reproductive Rights; Islamic Jurisprudence; Women; Sharia Rules

**Please cite this article as:** Hemmatian Sh, Aqae Bajestani M, Taheri M. Analysis of Examples of Women's Reproductive Rights in Islamic Jurisprudence and Law. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 437-448.*

## تحلیل مؤلفه‌های حقوق باروری زنان در نظام حقوق اسلامی

شهربانو همتیان<sup>۱</sup>، مریم آقایی بجزستانی<sup>۲\*</sup>، محسن طاهری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Maqaib@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق عمومی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۴

## چکیده

**زمینه و هدف:** امروزه حقوق زنان در نزد مکاتب فلسفی و سیاسی مختلف جهان به انحاء مختلف مورد بحث و تأکید قرار می‌گیرد. یکی از جلوه‌های حقوق زنان، حقوق باروری است که ابعاد جنسی، جسمی، فرهنگی، پزشکی - بهداشتی و اجتماعی - اقتصادی فراوانی دارد. ضمن اینکه حقوق باروری زنان در اسلام به عنوان یکی از ابعاد مهم حقوق زنان، قبل، حین و پس از باروری مورد توجه است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، بررسی مصادیق حقوق باروری زنان در حقوق اسلامی است.

**مواد و روش‌ها:** روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است که با گردآوری داده‌ها از طریق منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی موضوع حقوق باروری زنان پرداخته شده است.

**یافته‌ها:** در آموزه‌های اسلامی، مصادیق حقوق باروری زنان بر مبنای کرامت ذاتی آنان به عنوان انسان در موضوعاتی مانند چگونگی کنترل موالید، کرامت زنان، حقوق آنان در زمینه مسائل آموزشی و بهداشتی و تکثیر و تحدید نسل دیده می‌شود. همچنین قواعد لاضرر، لاجرح و تسلیط به ترتیب بر مبنای ضرر نداشتن روش‌های نوین باروری زنان، عدم سختی و مشقت بر انسان و تسلط زنان بر بدن خویش با توجه به آموزه‌های شرع می‌توانند حامی حقوق زنان در زمینه باروری تلقی شوند.

**نتیجه‌گیری:** بر مبنای حقوق باروری زنان در اسلام، قواعد اسلام بر حراست و نگاهداری از زنان در امور مختلف از جمله امر باروری و عوامل حمایت‌کننده از آن متمرکز است. با توجه به اینکه منشأ حق‌ها از نظر دین اسلام و حقوق اسلامی، خداوند و تشریح اوست، برای تعیین مصادیق حقوق باروری باید به منابع و متون دینی رجوع کرد و براساس آن نسبت به پذیرش حقوق عرفی و حقوق شرعی، قضاوت نمود. با این حال، حق بر آموزش، حق بر بدن خویش از طریق مشروع، حق تعداد موالید و کم و یا زیاد کردن آنان، از جمله مصادیق حقوق باروری زوجین و به‌طور خاص، زنان است. با توجه به این مسأله، حقوق باروری زنان به عنوان یکی از مسائل مستحدثه، بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و پزشکی در چارچوب شرع و آموزه‌های شرعی را ایجاب می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** حقوق باروری؛ فقه اسلامی؛ زنان؛ قواعد شرعی

## مقدمه

حقوق باروری، مجموعه‌ای از حقوق زوجین در عرصه زندگی فردی است که در نزد ادیان و مکاتب مختلف به اشکال مختلفی بیان می‌شود. مصادیق حقوق باروری متنوع و گسترده هستند و بر به رسمیت شناختن حق اساسی تمام زوجین و افراد، برای انتخاب آزادانه و مسؤولانه تعداد و فاصله سنی فرزندان خود، زمان بارداری، داشتن اطلاعات و روش‌های انجام این تصمیم‌ها، و حق دستیابی به بالاترین استاندارد بهداشت جنسی و باروری، استوار می‌گردد (۱). به‌طور مشخص، حقوق باروری، ارتباط گسترده‌ای با حقوق زنان دارد که مورد توجه فقه اسلامی نیز قرار گرفته است. قواعد مختلف فقهی نظیر قاعده لاضرر، تسلیط و اراده آزاد زنان در چارچوب شرع و موازین عقلی و همچنین توجه به کرامت زنان در آموزه‌های فقهی و حقوقی از جمله مواردی است که نشان می‌دهد مصادیق حقوق باروری در دین اسلام و براساس آموزه‌های فقهی تعیین می‌شود، که البته ارتباط وثیقی با تحولات زمانه دارند. بنابراین با توجه به تغییر در احوال زمانه و همچنین شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت، مصادیق دیگری از حقوق باروری نیز مطرح شود.

بررسی جلوه‌های متعدد حقوق باروری در اسلام و از جمله در دیدگاه فقه‌ها، نشانگر توجه شریعت اسلام به این مسأله است. در قرآن کریم و فقه اسلامی، شکل‌گیری نطفه، باروری و زایمان زنان و همچنین چگونگی مواجهه زنان با این پدیده از نشانه‌های قدرت باری تعالی محسوب می‌شود که انجام صحیح آن می‌تواند نشانگر حقوق خاص زنان در این زمینه تلقی شود. جایی که مسأله بهداشت و آموزش زنان در امر بارداری، حق کنترل موالید، تنظیم شیوه‌های بارداری، روش‌های جدید انجام باروری و همچنین شیوه‌های صحیح فرزندآوری مورد توجه فراوانی قرار گرفته است. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر از آن رو است که به بررسی مصادیق حقوق باروری زنان و تأکید در مورد آن، می‌پردازد. همچنین بازخوانی مسائل مستحدثه از جمله مسأله باروری در پرتو تحولات زیست پزشکی معاصر می‌تواند به عنوان یکی از موضوعات مهم و اثرگذار مورد توجه قرار گیرد. بنابراین قسمت مهمی از حقوق

زنان در حیطه باروری به عنوان یکی از بخش‌های مهم زندگی فردی و اجتماعی زنان است که در این پژوهش به آن توجه می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی مصادیق حقوق باروری زنان در فقه و حقوق اسلامی است که دارای ابعاد فردی، اجتماعی، پزشکی و حقوق بشری است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است: مهم‌ترین مصادیق حقوق باروری زنان در فقه و حقوق اسلامی کدام است؟

## پیشینه و ادبیات تحقیق

حقوق باروری زنان در حیطه‌های اخلاق، حقوق، فقه و آموزه‌های دینی از جمله قرآن کریم و سنت اسلامی از سوی متفکران و پژوهشگران مختلف مورد توجه قرار گرفته است که به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه پرداخته می‌شود:

حمید الهویی نظری و مریم عبیدی‌نیا (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر الزامات حقوق بشری بر بارداری و زایمان ایمن» به برخی از مهم‌ترین اصول حقوق بشری در این زمینه اشاره می‌کنند که شامل حق بر حیات، حق بر آزادی و امنیت، حق دسترسی به بالاترین سطح استاندارد سلامت، حق بر حمایت از مادران و حق دسترسی به اطلاعات و آموزش می‌شود (۲). سویل حکیمی و سکینه محمد علیزاده (۱۳۸۸) در پژوهش «حقوق باروری در نظام سلامت ایران: دستاوردها و چالش‌ها» بدین نتیجه رسیده‌اند که حقوق باروری مختص زنان نیست، بلکه یکی از اصول بنیادین حقوق انسان‌ها به شمار می‌رود. همچنین خشونت علیه زنان، عدم دسترسی زنان به درمانگاه‌های ارائه خدمات بهداشتی اولیه با کیفیت مطلوب و پایین بودن میزان خدمات، نه تنها بر زنان، بلکه بر همه اعضای خانواده‌ها تأثیر منفی می‌گذارد (۳).

محمد قائنی و محدثه معینی‌فر (۱۳۹۴) نیز در مقاله خود با عنوان «مفهوم، مصادیق و خاستگاه حق تولید مثل و باروری انسان در اسلام و حقوق لیبرال» بر حق تولید به عنوان یکی از حقوق پذیرفته‌شده انسان در نزد مکاتب سیاسی و اجتماعی مختلف تأکید می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که حقوق باروری در اسلام به دلیل الزام به فرزندآوری در چارچوب سنت ازدواج

روش‌های نوین در امر باروری بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، تاریخچه حقوق باروری به‌طور قابل توجهی با حقوق بشر جهانی و حقوق زنان ارتباط پیدا می‌کند. در این معنا، حقوق باروری زنان به‌عنوان یکی از حقوق شناخته‌شده آنان، در صدد اصلاح شیوه و سبک زندگی انسان‌ها مخصوصاً زنان نیز برآمد. از جمله اینکه شرایط روحی و روانی افراد، وجود استرس، بی‌خوابی و شرایط نامساعد زندگی و همچنین نوع لباس و پوشش و تغذیه نامناسب جزء سبک زندگی محسوب شده و از آنجایی که استرس محیطی موجب کاهش تخمک‌گذاری و همچنین افسردگی و اضطراب خواهد شد، بر روی مغز زنان اثر نامطلوب می‌گذارد و در نهایت موجب تغییر در میزان هورمون‌های اصلی بدن و در نتیجه موجب ناباروری خواهد گردید (۷). از این منظر، مسائل اجتماعی، پزشکی و جنسی به‌عنوان عوامل مؤثر در باروری زنان به کمک سلامت باروری شتافتند. در این رویکرد جهانی، اغلب موضوعات مرتبط با باروری، نقش مؤثری در اعطای اختیار و آزادی به زنان در زمینه باروری ایفا نموده‌اند.

با این حال، حقوق باروری و مسأله باروری زنان به‌عنوان یکی از ضرورت‌های حقوقی و آموزشی به‌تازگی وارد مسائل حقوقی کشورهای مختلف جهان شده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهند که اولین بار پس از جنگ جهانی دوم در گردهمایی مجمع عمومی سازمان ملل متحد (پاریس ۱۹۴۸م) به مسائل حقوق باروری و جنسی در «بیانیه جهانی حقوق بشر» توجه شد. ماده ۱۶ این بیانیه اعلام می‌داشت که مردان و زنان بالغ، بدون هیچ‌گونه محدودیت نژادی، ملیتی یا مذهبی، حق ازدواج و تشکیل خانواده را دارند و در امور مربوط به ازدواج، ادامه و فسخ آن از حقوق برابری برخوردارند (۸)، هرچند رویکرد جدید بر حق زنان برای باروری و اختیار و آزادی در این زمینه تأکید می‌کند، اما اسناد بین‌المللی موجود به صراحت از حقوق زنان در این زمینه دفاع به عمل نمی‌آورد. بر این اساس، بخش مهمی از توسعه حقوق باروری زنان مدیون گسترش رسانه‌ها، جنبش‌های حقوق زنان، حقوق‌دانان و فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهای مختلف جهانی است که بر حقوق باروری به‌عنوان یکی از ابعاد حقوق بشر زنان تأکید

از ویژگی متمایزی برخوردار است. همچنین هدف دین اسلام از فرزندآوری، ایجاد نسلی قدرتمند و با عزت است (۴). نوری‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مقاله «حقوق زنان در بارداری و زایمان» به راهکارهای تقویت حقوق زنان در حیطة بارداری توجه نشان داده‌اند و بدین نتیجه رسیدند که نابرابری‌های جنسیتی، نظام‌های سلامت ناعادلانه، توزیع نامتناسب نیروی انسانی، سیاست‌گذاری نادرست و توزیع نامتناسب امکانات و بودجه منجر به محرومیت و حاشیه‌نشینی می‌شود که در نهایت آثار فردی و اجتماعی منفی بر مادران می‌گذارد و حقوق آنان را نادیده می‌گیرد (۵). محمد قائنی و محدثه معینی‌فر (۱۳۹۳) در پژوهشی دیگر با عنوان «موجه‌سازی حق تولید مثل و باروری انسان در قرآن»، حق تولید مثل و باروری را از جمله حقوق انسان‌ها در جوامع مختلف می‌دانند که مورد توجه سیاست‌مداران نیز قرار گرفته است. در همین راستا، نویسندگان نتیجه می‌گیرند که براساس آیه ۲۲۳ سوره بقره، تولید مثل و باروری در قرآن، در زمره حق‌های اساسی به شمار می‌رود و نه احکام. بر این اساس، تولید مثل و باروری علاوه بر اینکه یک حق مسلم به شمار می‌رود، ضرورت رعایت آن توسط احکام شرعی نیز امری ضروری است (۶).

پژوهش‌های مذکور از یک جهت که به مسأله باروری می‌پردازند، دارای اشتراکاتی با پژوهش حاضر هستند، اما از جهتی دیگر، پژوهش حاضر دارای جهت‌گیری متفاوتی است. به‌طوری‌که به بررسی مصادیق حقوق باروری براساس دیدگاه‌های فقهی می‌پردازد. از این جهت، حقوق باروری زنان به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های مهم و جدید در فقه و حقوق اسلامی، مورد تمرکز پژوهش حاضر قرار گرفته است.

### حقوق باروری و اهمیت آن

حقوق باروری، هرچند در نزد ادیان، مکاتب، نظام‌های حقوقی باستان و حتی فرهنگ‌های متفاوت جهانی در گذشته ملاحظه می‌شود، اما به‌طور مشخص یکی از موضوعات جدید و معاصر به شمار می‌رود که با توسعه علم پزشکی، گسترش حقوق بشر به نفع زنان و خانواده و همچنین بهره‌گیری از

کیفی و خاصی درباره حقوق زنان مطرح شود که بر نقش عوامل فردی، اجتماعی، درونی و بیرونی تأکید می‌نمایند. بر این اساس، فقه و حقوق اسلامی به‌طور قابل توجهی حامی یکدیگر در جهت حمایت از حقوق زنان مخصوصاً در حوزه ناباروری آنان هستند که با تلفیقی از گرایش‌های عقلانی و شرعی بیان شده است. ضمن اینکه، بنا بر قاعده «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ»، میان حکم عقلی و شرع ملازمه وجود دارد. بنابراین هرگاه عقل در انجام عملی مصلحت و مفسده‌ای پیدا کرد به صورت قاطع به انجام دادن و یا ندادن آن حکم می‌کند. شرع نیز بدین ترتیب آن را عمل می‌کند (۱۰).

بدین ترتیب مجموعه قواعد فقهی بر اهمیت زاد و ولد، کنترل موالید، حقوق زنان در مسأله آموزش، بهداشت، مباحث جدیدی نظیر سقط جنین به شیوه‌های مختلف پزشکی، اجاره رحم، ازدواج پس از مرگ همسر و ... تأکید می‌کنند که به‌طور مشخص با حقوق باروری زنان در ارتباط است. در این پژوهش به تحلیل برخی از مهم‌ترین مصادیق حقوق باروری زنان در حقوق اسلامی پرداخته می‌شود. بدیهی است که رویکردهای فقهی در این زمینه دارای نقش مهم و قابل توجهی هستند.

### تجزیه و تحلیل

حقوق باروری زنان به عنوان یکی از زمینه‌های مهم مرتبط با توسعه کشورها و همچنین یکی از معیارهای تعیین‌کننده در تعیین حقوق زنان به شمار می‌رود. به همین دلیل حتی در برنامه توسعه کشورهای مختلف می‌توان به جایگاه و اهمیت حقوق زنان پی برد. به‌طور مشخص در مسأله حقوق باروری زنان، مسائل فرهنگی و قانونی از اهمیت بالایی برخوردار هستند، به این دلیل که دستیابی به حقوق خاص زنان نیازمند باور عمومی و فرهنگی نسبت به این مسأله و همچنین پشتوانه حقوقی و قضایی است. در اینجا به برخی از مهم‌ترین مصادیق حقوق باروری زنان در آراء فقهی و حقوقی پرداخته می‌شود:

#### ۱- حق کاشتن نطفه در رحم

اجاره رحم و کاشتن نطفه در رحم به عنوان یکی از مصادیق حقوق باروری زنان قابل بررسی است. در روش رحم

کرده‌اند. بنابراین گسترش فعالیت‌های جهانی و منطقه‌ای در زمینه دفاع از حقوق باروری زنان، باعث تغییر نگرش‌ها در این زمینه شد.

در نهایت اینکه، حقوق باروری شامل حقوق بشر مشخصی می‌شود که هم‌اکنون در قوانین ملی، اسناد حقوق بشر بین‌المللی و سایر اسناد مربوط به مجمع سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده‌اند. این حقوق بر به رسمیت شناختن حق اساسی تمام زوجین و افراد، برای انتخاب آزادانه و مسؤولانه تعداد و فاصله سنی فرزندان خود، زمان بارداری، داشتن اطلاعات و روش‌های انجام این تصمیم‌ها، و حق دستیابی به بالاترین استاندارد بهداشت جنسی و باروری استوار است. این حقوق همچنین شامل حق همگان برای تصمیم‌گیری درباره باروری بدون تبعیض، اجبار و خشونت در تصمیم‌گیری‌های جنسی و مسؤولیت مشترک در رابطه جنسی تعریف می‌شود (۸). همان‌طور که در اسناد حقوق بشر بیان شده است برای پیاده کردن این حقوق، والدین باید نیاز فرزندان فعلی و آینده خود و مسؤولیت در برابر جامعه را مد نظر داشته باشند. همچنین باید افزود که حقوق باروری می‌تواند شامل برخی یا تمام موارد زیر شود: حق سقط جنین و پیشگیری اجباری، حق دریافت آموزش درباره موارد متعدد پیشگیری، آزادی و عقیم‌سازی اجباری، تعداد فرزندان و توالد آنان.

فقه اسلامی، نقش و جایگاه مهمی برای زنان از جمله پیرامون مسأله باروری در نظر گرفته است و حتی می‌توان گفت تأکید بر برابری و کرامت زنان در ابعاد مختلف آن به عنوان یکی از ضرورت‌های فقه اسلامی قابل تسری و استنتاج در حوزه تبیین حقوق باروری است. چنانچه بررسی حقوق و قوانین مستخرج از آموزه‌های فقهی نشان می‌دهد که حقوق عام و خاص زنان در فقه بیش از سایر نظام‌های حقوقی جهان مورد توجه قرار گرفته است. مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (۹). همین موضوع باعث شده است تا معیارهای

نامشروع محسوب نمی‌شود. چه اینکه در زمینه روابط نامشروع از امام صادق (ع) نقل شده است: «حد زنا از حد شرب خمر بیشتر است چون در آن مرد نطفه را تباه کرده و آن را در جایی جز آنجا که خداوند مقرر کرده، نهاده است» (۱۴). از این منظر در اجاره رحم ارتباط فیزیکی میان اشخاص صورت نمی‌گیرد و آنچه با عنوان منع زنا و مساحقه خوانده می‌شود، نمی‌تواند درباره اجاره رحم صادق باشد. بنابراین رعایت اصول و ملاحظاتی نظیر عدم اخذ تخمک از زن توسط نامحرم و یا اخذ اسپرم به روش غیر شرعی می‌تواند تردیدها درباره اجاره رحم را از بین ببرد. در تأیید این نظر آیت‌الله مکارم شیرازی بیان داشته‌اند: «هرگاه اسپرم و تخمک زن و شوهری با هم ترکیب شود و تشکیل جنین دهد، کاشتن آن در رحم فرد ثالث اشکال ندارد و فرزند به صاحبان تخمک و نطفه تعلق دارد، لذا از آنجا که این کار مستلزم نظر و لمس حرام است تنها در صورت ضرورت جایز است» (۱۵). بنابراین، می‌توان گفت که از نظر فقه اسلامی، اجاره رحم، امری پذیرفته شده است که به تبع آن رویکردهای موافقی نیز در عرصه‌های حقوقی دیده می‌شود.

## ۲- حق بهداشت جنسی در قواعد فقهی

حق بهداشت جنسی یکی از مصادیق حقوق باروری زنان و حتی یکی از عوامل شکل‌دهنده به آن محسوب می‌شود، زیرا بهره‌گیری از بهداشت جنسی در زندگی زنان به معنای زندگی سالم اجتماعی است. همچنان‌که دارا بودن حق بهداشت جنسی باعث رضایت جنسی، رضایت زناشویی، صمیمیت جنسی و کاهش تعارضات میان زوجین در خانواده می‌شود (۱۶). به نظر می‌رسد بهره‌مندی زنان از حق بهداشت جنسی باعث آگاهی آنان نسبت به امر باروری و همچنین پی بردن به مزایا و معایب روش‌های مختلف بارداری خواهد شد.

آموزه‌های قرآن کریم بر حق برابر زنان و مردان در مسائل مختلف تأکید می‌نماید که در واقع می‌توان با بهره‌گیری از آنان، روش‌های مناسب زندگی را برای زنان نیز تبیین نمود. چنان‌چه بر مبنای توجه به کرامت انسان‌ها و لزوم بهره‌مندی همه آحاد جامعه از کرامت و زندگی سالم، توصیه‌ها و دستورات خود را خطاب به همه آدمیان قرار می‌دهد و از آنان

جایگزین پس از لقاح اسپرم و تخمک یک زوج، نطفه حاصله را در رحم یک زن دیگر قرار داده تا پس از پایان دوره بارداری، فرزند این زوج را به دنیا بیاورد (۱۱). این موضوع در نزد مکاتب حقوقی در جهان دارای ابعاد متفاوتی است و هر کدام از آنان با رویکرد خاصی نسبت به این امر توجه نشان می‌دهند. همچنان که نگاه فقه اسلامی نسبت به این مسأله نیز دارای تفاوت‌هایی می‌باشد.

برخی دیدگاه‌ها درباره اجاره رحم بر این عقیده متمایل شده‌اند که از آنجا که اجاره رحم، ضرر شدید و غیر عقلایی را متوجه صاحب رحم و زوج نابارور نکرده و حتی ایشان را منتفع می‌کند، شامل عمومات تسلط انسان بر اعضای بدن خویش است و در قالب قواعد عمومی قراردادهای چنین قراردادی بین طرفین مشروع و قابل قبول خواهد بود. شایان ذکر است که در قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور مصوب سال ۱۳۸۲ لقاح مصنوعی خارج از رحم بین اسپرم و تخمک یک زوج قانونی و اهداء و انتقال جنین ناشی از آن به رحم زن دیگری که ناباروری او قطعی است را مورد تأیید قرار داده، اما این قانون متعرض بحث اجاره رحم نشده است. بنابراین اراده آزاد زنان در انتخاب این مسأله از جمله حقوقی است که در مسأله باروری دیده می‌شود، البته در این زمینه، ملاحظات فقهی دیگری نیز وجود دارد که باعث شده اقلیتی از فقها در مشروع بودن اجاره رحم تردید کنند. به همین دلیل دو دسته از دیدگاه‌های فقهی وجود دارند؛ برخی فقها نظیر فاضل لنکرانی و نوری همدانی با روش اجاره رحم و کاشت رحم در بدن شخص ثالث مخالفت کرده‌اند و برخی همچون سیستانی، صانعی، موسوی اردبیلی، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی، موسوی خمینی و خامنه‌ای، فتوا به جواز اجاره رحم داده‌اند (۱۲). چنان‌چه آیت‌الله خامنه‌ای در این باره چنین می‌فرماید: «استفاده از اسپرم شخص ثالث جهت درمان نازایی و تلقیح فی نفسه منع شرعی ندارد و فرقی میان بستگان شوهر و افراد دیگر در این باره نیست» (۱۳).

استدلال موافقان این است که اجاره رحم نمی‌تواند نافی حقوق زنان تلقی شود، زیرا در روایات، تأکید بر حرمت عمل جنسی نامشروع است و از این جهت، اجاره رحم ارتباط

مردان و زنان است که به‌طور مشخص حقوق خاصی نیز برای زنان می‌آفریند. به بیان برخی از پژوهشگران: «عوامل بیولوژیکی که بین زنان و مردان براساس عملکرد تولید مثلی آنان متفاوت است، مانند دوران بارداری و زایمان که تجربه‌ای کاملاً زنانه است؛ عوامل اجتماعی - اقتصادی که می‌تواند براساس جنسیت، نژاد و سن به گونه‌ای متفاوت خود را نشان دهد، مانند رواج ازدواج زود هنگام دختران نوجوان در بعضی مناطق؛ عوامل روان‌شناختی که براساس جنسیت خود را نشان می‌دهد، مانند افسردگی‌های بعد از زایمان که برای دنیای مردانه پدیده‌ای غریب است؛ و در نهایت عوامل مرتبط با خدمات و امکانات حوزه سلامت و بهداشت که ممکن است به دلیل موانع هنجاری و اجرایی در دوران بارداری و زایمان در دسترس زنان قرار نگیرد» (۲).

دارا بودن سلامت جنسی و بهره‌مندی زنان از حق بهداشت جنسی مخصوصاً می‌تواند بر دوره بارداری به‌عنوان مهم‌ترین مرحله در امر باروری تأثیرگذار باشد. همچنین، زنان به دلیل ماهیت ویژه بیولوژیک‌شان که وضعیت‌هایی چون بارداری را به دنبال دارد، باید مشمول امتیازات ویژه اجتماعی شوند. حتی اعطای چنین امتیازاتی به زنان به معنای تبعیض ناموجه بر مردان نخواهد بود. چه آموزه‌های دینی و چه حقوق بشر معاصر به هیچ وجه مدافع برابری و تشابه کامل زن و مرد در همه قوانین و مقررات نیستند، چرا که چنین برابری و تشابهی در نهایت، خود ستم مضاعفی در حق زنان خواهد بود (۱۹).

بنابراین حق بهداشت جنسی زنان بخش مهمی از حقوق خاص زنان است که از منظر حقوقی و پزشکی می‌تواند سلامت باروری آنان را تا حدودی زیادی نیز تضمین نماید.

یکی دیگر از مسائل مهم و مرتبط با سلامت و بهداشت زنان که بر امر باروری و در نهایت حقوق باروری آنان اثرگذار است، مسأله تغذیه زنان است. چنان‌چه می‌توان گفت تأثیر تغذیه سالم بر بهبود وضعیت باروری مردان و زنان غیر قابل انکار است. بنابراین زنانی که از یک رژیم غذایی سالم و مقوی بهره‌مند هستند کمتر از بقیه زنان دچار ناباروری می‌شوند (۷). همچنین از جمله عوامل بهداشتی دیگری که می‌توان بدن‌ها اشاره کرد، نقش عوامل پزشکی، داروها و سیستم ایمنی بدن

می‌خواهد که از راه زندگی سالم و طیبات، زندگی خود را سامان بخشند. در آیه شریفه زیر، هم مسأله کرامت انسانی و هم بهره‌مندی از روزی حلال مورد توجه قرار گرفته است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (۱۷). «ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم».

بر همین اساس، بر مبنای حفظ کرامت انسانی زنان، قواعد متعددی در دین اسلام و آموزه‌های منبعث از آن دیده می‌شود که ضامن سلامت جسمی و جنسی زنان در امر بارداری است. قواعد مزبور با صدور احکام کلی، شرایط و احکام معینی در این زمینه به ما نشان می‌دهند. یکی از این قواعد مهم، قاعده لاضرر است که به معنی نفی مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار در اسلام است (۱۸). بر این اساس، بهداشت جنسی و سلامت اجتماعی زنان می‌بایست به گونه‌ای باشد که سلامت آنان را با خطر مواجه نسازد. همچنین از آن جهت که مسأله بهداشت و سلامت جنسی و جسمی زنان بر مسأله پرورش فرزندان نیز اثر می‌گذارد، توجه به این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. به‌طور کلی، عوامل گوناگونی بر سلامت مؤثر هستند که در زنان و مردان مشترک‌اند، اما از این نظر که زنان علاوه بر سلامت خود، عهده‌دار سلامت و بهداشت خانواده و به‌ویژه فرزندان که متولد می‌شوند، نیز هستند، در نتیجه تأمین سلامت زنان علاوه بر تأمین سلامت نیمی از جامعه، سبب حفظ و ارتقاء سلامت خانواده و در نهایت سلامت کل جامعه می‌شود و از همین رو پرداختن به بحث سلامت زنان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند (۱۹).

حقوق زنان در مقوله باروری تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با حقوق مردان دارد. به این دلیل که مسأله بارداری به عنوان یکی از عوامل مرتبط با باروری، خاص زنان است و بی‌توجهی به سلامت فردی زن در این زمینه می‌تواند نتایج ناگواری پدید آورد. این موضوع به نوبه خود تحت تأثیر تفاوت‌های زیستی

جاری است. امروزه، خشونت علیه زنان یکی از شایع‌ترین نوع تجاوز به حقوق انسانی بوده و در عین حال معضل وسیع بهداشتی نیز می‌باشد که نیازمند توجه سریع دولتمردان و قانونگذاران است. بنابراین تأکید بر حذف کامل این معضل بزرگ، عنصر کلیدی در راه احیاء حقوق باروری و جنسی می‌باشد (۳). چنان‌که آموزه‌های فقهی و شرعی اسلام نیز رویکرد متناسب با شأن زنان را در نظر می‌گیرند.

توجه به دستورات و آموزه‌های دینی درباره زندگی زنان و لزوم برخورد صحیح و متناسب با کرامت زنان یکی دیگر از زمینه‌های اثرگذار بر تبیین حقوق باروری آنان است. در این زمینه، اسلام و آموزه‌های آن، توجه خاصی به رفتار مسالمت‌آمیز با زنان و نحوه مسؤولیت‌های آنان در زندگی فردی و اجتماعی دارد. از این منظر، علاوه بر برابری زنان و مردان و اعطای امتیازات خاص به جنسیت‌های مردان و زنان، زن به‌عنوان موجودی زیبا و لطیف آفریده شده است که همانند دیگر موجودات درصدد تحقق بخشیدن به سعادت اخروی خویش و رضایت خداوندی است.

از منظر حقوقی نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی جایگاه خاصی برای زنان قائل شده است که تداوم آن می‌تواند حامی حقوق زنان و لزوم برخورداری از زندگی بدون خشونت تلقی شود. طبق آیات قرآن و سایر آموزه‌های دینی، زن و مرد از یک نفس و جنس آفریده شده‌اند؛ برابر آیه‌ای که برای جان و حیات زن و مرد احترام قائل شده است، تعرض به ناحق را به شدت منع کرده، کشتن زن یا مرد را به مثابه کشتن همه انسان‌ها دانسته است. زن و مرد ارزش و احترام یکسانی دارند و در حق حیات و احترام با یکدیگر برابری دارند (۲۱). به‌نظر می‌رسد حق باروری زنان می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق حق حیات در نظر گرفته شود، زیرا آنچه مهم است برطرف ساختن مشکلات زنانی است که خواهان فرزندآوری هستند و به دلایل متعددی از این مزیت بهره‌مند نیستند، اما در برخی موارد در انجام لقاح مشکلی وجود ندارد، بلکه مشکل از رحم است که با بهره‌گیری از اجاره رحم و مشروعیت آن در فقه می‌توان به باروری بدون تبعیض زنان امیدوار بود. بنابراین یکی از مصادیق رفع خشونت

در مقابله با عدم باروری است که به نوبه خود حائز اهمیت است. از این جهت، شناخت عوامل مؤثر بر کاهش جمعیت و باروری در همه ابعاد آن می‌تواند در تبیین راهکارهای لازم نقش مهمی را ایفا کند. از جمله این عوامل می‌توان به داروها اشاره کرد. بسیاری از داروها به‌طور کامل مانع از بارداری شده و برخی دیگر کاهش باروری و برخی نیز باعث افزایش آن خواهند شد (۷).

اما بشر امروز در اثر آگاهی از رشد اقتصادی و بهداشتی بین‌المللی از آهنگ رشد جمعیت بالاتری برخوردار است و در همین راستا، رشد اقتصادی و گسترش مواد غذایی سریع‌تر است. بنابراین می‌توان گفت با بهبود وضعیت بهداشتی و سلامت زنان در حوزه‌های تغذیه و سلامت جسمی و جنسی، شرایط مساعدی برای افزایش باروری زنان پدیدار می‌شود. چنان‌که یکی از نیازهای اساسی و حقوق پایه همه زنان، اداره امور باروری ایشان است. از نقطه نظر زنان فقیر، پرداختن به این نیازها و تأیید آنها به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیره سلامت زنان و وضعیت اجتماعی ایشان در جامعه و درست به اندازه همان ساختارهای اجتماعی - مذهبی، مدیریت دولتی، قوانین اداری و بخش خصوصی، باید مورد توجه قرار گیرد (۲۰). تغذیه زنان نیز در ابعاد مختلف آن می‌تواند یکی از عوامل تحقق بخش حق باروری زنان در نظر گرفته شود. همچنان‌که بهره‌مندی زنان در یک جامعه از تغذیه سالم و کافی به شکل قابل توجهی می‌تواند باروری آنان را بهبود ببخشد. در هر صورت تغذیه در کنار بهداشت جنسی از مصادیق مهم حق باروری زنان به‌شمار می‌رود.

### ۳- حق بر باروری بدون خشونت و تبعیض

باروری زنان هنگامی که با انتخاب و اراده آزاد آنان شکل می‌گیرد، تفاوت قابل ملاحظه‌ای با اجبار و فشار از سوی دیگران از جمله مردان و نهادهای حقوقی و اجتماعی جامعه دارد. بنابراین باروری زنان می‌بایست با رفع خشونت و تبعیض و همچنین با توجه به معیارهای عقلانی و شرعی دنبال شود. به‌طور کلی، زنان نیز همانند مردان و براساس همان رویکرد کرامت انسانی در اسلام دارای جایگاه خاصی در عرصه‌های مختلف هستند که در زمینه حقوق باروری نیز همین حکم



به نظر می‌رسد این بهره‌مندی در چارچوب موازین شرعی قابل توجیه است. مفاد قاعده این است که هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی داشته باشد و هیچ‌کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفاتش منع کند. به عبارت دیگر، به موجب این قاعده، اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است مگر آنکه به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد (۲۳). بدین ترتیب قاعده تسلیط از این جهت که آیا تسلط مالک و اختیارات او نسبت به اموال و دارایی‌اش مطلق است، به طوری که به هر نحو بخواهد می‌تواند در اموال خویش تصرف کند و یا اینکه اختیارات مالک دارای حدودی است، قابل تسری به حقوق باروری زنان است. شاید در ابتدا گفته شود که بر اساس قاعده تسلیط تصرفات مالک (زن) در اموال و دارایی خود مطلق است و او به عنوان فاعل مایشاء هرگونه تصرفی که بخواهد می‌تواند در اموال و دارایی خود داشته باشد، اما قاعده مزبور در مقام اطلاق چنین تسلطی برای مالک نسبت به اموالش نیست، بلکه سلطه انسان بر مایملک خود بر مبنای قواعد عقلی و سیره عقلا و بر اساس احکام شرعی، محدود و مقید است. مطابق آنچه از قاعده تسلیط برداشت می‌شود، زنان حق دارند که در چارچوب موازین عقلی و شرعی، راهی برای افزایش نسل، کاهش تعداد فرزندان، تنظیم تولید، نحوه بارداری و چگونگی تنظیم فاصله تولد و ... انتخاب نمایند. چه اینکه، داشتن فرزند و اعطای حق به زنان برای داشتن اولاد بیشتر، بخش مهمی از حقوق باروری محسوب می‌شود که مورد توجه علمای دین نیز قرار گرفته است. باید اضافه کرد که قاعده تسلیط ادله فقهی دیگری نیز دارد؛ از جمله ادله‌ای که می‌توان به دلالت التزامی جهت اثبات تسلط انسان بر اعضای بدنش به آن استناد کرد، ادله ایثار است. «وَأَيُّوْثُرُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بَيْنَهُمْ خِصَاصَةٌ». «و دیگران را بر خویشتن مقدم می‌دارند، با اینکه نیاز خودشان شدید است» (۱۷).

اغلب آموزه‌های دین اسلام در شرایط مطلوب اقتصادی و اجتماعی بر داشتن فرزند تأکید می‌کنند. این موضوع، هرچند در دین اسلام نیز سابقه‌ای دیرینه دارد، اما شواهد تاریخی

ساختاری بر علیه زنان، باور داشتن به این موضوع است که یکی از نیازها و حقوق پایه همه زنان، اداره امور باروری ایشان است (۲۰).

حق زندگی سالم و مسالمت‌آمیز یکی از حقوق شناخته‌شده زنان است که بیش از هر چیز در مسأله باروری خود را نشان می‌دهد. همچنان‌که از دلایل غیر پزشکی مرگ مادران آن است که در جوامع سنتی، رفتارها و سنت‌های تبعیض‌آمیز از موانع اصلی دسترسی زنان به خدمات مورد نیازشان در حوزه سلامت است. زنان و دختران، به نسبت مردان از منابع آموزشی کمتری بهره‌مند می‌شوند. اغلب زنانی که در خانه با خشونت‌های مختلف جسمی و جنسی شریک زندگی خود مواجه می‌شوند، ممکن است کمتر به دنبال خدمات سلامت برای بارداری ایمن یا مقابله با آسیب‌های ناشی از خشونت خانگی بروند (۲). بنابراین رفع موانع و تبعیض‌ها در مسأله سلامت و تغذیه زنان که به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در مقوله باروری شناخته می‌شود، نقش مهمی در حقوق باروری آنان دارد.

قاعده لاجرح نیز یکی دیگر از قواعد فقهی است که پشتوانه‌ای برای باروری زنان محسوب می‌شود. بدین معنا که اگر مسأله ناباروری برای زن اتفاق بیفتد و از قبل آن، سختی و دشواری برای زن پدید آید، استفاده از روش‌های مرسوم باروری بر مبنای تأییدات پزشکی و شرعی و از نظر ادله فقهی موجه است. علاوه بر این، نداشتن فرزند به نوبه خود می‌تواند سختی و دشواری‌های متعددی برای زندگی مشترک پدید آورد که از این جهت، با داشتن فرزند مرتفع می‌شود. بدین سبب، برخی فقها، باروری را از حقوق زنان دانسته‌اند تا بتوانند راهی برای غلبه بر خلأها و سختی‌های زندگی مشترک باشد (۲۲).

#### ۴- حق زنان بر بدن خویش و حقوق باروری

علاوه بر قاعده لاجرح که به‌عنوان یکی از قواعد حامی حقوق باروری زنان در شرایط خاص به کار گرفته می‌شود، ادله فقهی دیگری نیز وجود دارند که براساس آن، زنان، همانند مردان دارای اختیار و آزادی در زمینه چگونگی بهره‌مندی از نعمت‌های خداوندی از جمله سلطه بر بدن خویش هستند.

می‌خواند. بنابراین، حق آموزش و پیشگیری در زمینه باروری یکی از حقوق شناخته‌شده زنان محسوب می‌شود و منحصر به مردان نیست. هدف از آموزش در زمینه باروری زنان، بهبود وضعیت بهداشتی، توانمندسازی زنان، افزایش امکان دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، سلامت مادر و نوزاد، تشخیص و درمان نازایی، آموزش در زمینه سلامت باروری، سلامت دوران یائسگی، بهداشت سالمندان و به‌طور کلی ارتقای سطح سلامت زنان است (۷).

بنابراین مسأله آموزش و پیشگیری یکی از مصادیق حقوق زنان در زمینه ناباروری به شمار می‌رود که با نگاه برابر حقوق اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. حتی نگاه دین اسلام به مسائل خاص زنان از نظر دور نمانده است و این موضوع نشان می‌دهد که حقوق برابر در اسلام، صرفاً به معنای برابری جنسی در همه زمینه‌ها نیست، بلکه با در نظر گرفتن شرایط خاص جنسیتی دنبال می‌شود. بدین ترتیب، در آموزه‌های اسلامی، هیچ‌گاه اشتراک زن و مرد در حیثیت اجتماعی و کرامت انسانی، یکسانی و تشابه آنها در حقوق شهروندی را در پی ندارد. در ضمن، رویکرد اساسی حاکمیت اسلامی در حقوق شهروندی، کیفی‌گرایی در حقوق و تکالیف است و نه کمی‌محوری (۲۶). توضیح اینکه، خداوند با اعطای اختیار و آزادی به زنان، هرگز بر آنان سخت نمی‌گیرد و زنان نیز می‌توانند با دفاع از حقوق مسلم خود در این زمینه، و با بهره‌گیری از خدمات جدید در امر باروری به پرورش فرزندان صالح همت گمارند. بدین ترتیب یکی از حقوق مسلم مردان و زنان، کنترل خانوار و تعداد فرزندان بنا بر مقتضیات اقتصادی، احساسی، بهداشتی و اجتماعی می‌باشد.

آموزه‌های فقهی و حقوقی اسلامی با دفاع از آموزش در حیطه باروری، رویکرد متمایزی را مطرح می‌کنند و بر نقش سازنده آموزش و آگاهی در بهبود وضعیت زنان تأکید می‌نمایند. این رویکرد از آن روی مطرح می‌شود که در سراسر تاریخ به دلایل سیاسی - مذهبی، اخلاقی و اجتماعی زمان‌هایی وجود داشته است که دسترسی به آموزش‌ها و خدمات پیشگیری از بارداری مشکل بوده است (۳)، اما امروزه و با پیشرفت خدمات بهداشتی و توجه به نکات خاص زندگی زنان، حق داشتن فرزند

نشان می‌دهند که نخستین فتوا در عدم ممنوعیت جلوگیری از حاملگی در کشورهای اسلامی در ۲۹ ژانویه ۱۹۳۷ از طرف شیخ عبدالمجید سلیم، مفتی اعظم مصر صادر شده است. در آن هنگام، نامبرده در جواب این پرسش که نظر اسلام در مورد جلوگیری از بارداری و سقط جنین از لحاظ جنبه‌های پزشکی و اجتماعی چیست؟ چنین پاسخ دادند:

۱. هریک از زوجین مختارند که برای جلوگیری از بارداری به دلایل پزشکی یا اجتماعی، تدابیر فردی اتخاذ کنند و توافق طرفین اجباری نیست.

۲. استفاده از داروها و تدابیر مؤثر در سقط جنین تا قبل از شانزدهمین هفته شروع بارداری مجاز است، مشروط به آنکه توصیه‌های ضروری انجام گیرد و جان مادر به خطر نیفتد.

۳. همه پیشوایان دین بر این حکم که بعد از گذشت این مدت سقط جنین تحت هیچ عنوان نباید صورت بپذیرد، اتفاق نظر دارند.

همچنین ایشان، نظر علمای حنفی مبنی بر جایز بودن بسته شدن دهانه رحم زن به نحوی که نطفه مرد به آن نرسد را مورد توجه قرار داده است (۲۴).

##### ۵- حق بر آموزش و آگاهی زنان

داشتن آگاهی و آموزش لازم جهت ایجاد شناخت بیشتر در زنان یکی از مصادیق حقوق باروری به شمار می‌رود. مسأله آگاهی از دیرباز مورد توجه آموزه‌های اسلامی بوده است. در همین راستا، آموزه‌های فقهی اسلام چنین بیان می‌کنند که یکی از ویژگی‌های هر انسان عاقل، کمال‌جویی او می‌باشد و در این راه مشکلات و سختی‌های زیادی تحمل می‌کند، که البته با کسب علم و آگاهی می‌تواند بر این شرایط غلبه کند. این موضوع درباره حقوق باروری زنان نیز مورد توجه است. به‌طوری‌که بهره‌مند شدن زنان از شرایط آموزشی مناسب، زمینه و شیوه مناسبی برای دستیابی آنان به حقوق باروری نیز می‌شود. روشن‌ترین موضوعات در اسلام، جانبداری اصولی از رشد علم و گسترش آموزش و دانایی در سطح جامعه است (۲۵). ضمن اینکه موضوع مهم در این میان، توجه برابر و نگاه فارغ از جنسیت در اسلام است که همه انسان‌ها را به سمت تعلیم و تربیت و یادگیری شیوه‌های صحیح زندگی فرا

فرزندان از دیگر نتایج پذیرش قاعده تسلیط است که خود ضامنی برای حقوق زنان در این زمینه محسوب می‌شود. توضیح اینکه، حق کنترل موالید به‌عنوان یکی دیگر از جنبه‌های حقوق زنان، بر داشتن حق آنان برای فاصله‌گذاری میان فرزندان خویش و تصمیم‌گیری در این زمینه است. حق بهداشت جنسی و سلامت نیز جنبه‌های خاص زندگی و زیست زنان را مورد توجه قرار می‌دهد که بیش از هر چیز داشتن تغذیه مناسب و سلامت جسمی و روانی زنان در دروه بارداری را شامل می‌شود. همچنین بر مبنای معیارهای دیگری که اصول حاکم بر حقوق باروری زنان در اسلام را منعکس می‌نماید، بر نفی خشونت و تبعیض علیه زنان و داشتن زندگی کرامت‌محور برای آنان تأکید می‌شود که این امر، به نوبه خود از طریق زیست آزادانه و مختار زنان در راستای زندگی مسؤولیت‌پذیرانه دنبال می‌شود.

بر این اساس مهم‌ترین پیشنهادی که قابل طرح است، لزوم توجه و تمرکز بیشتر بر مبانی فقهی و حقوق اسلامی در زمینه حقوق باروری زنان است که در سایه تحولات معاصر، مورد غفلت واقع شده است. این در حالی است که فقه اسلام و مخصوصاً فقه شیعه بر مبنای توجه به تحولات باروری و شیوه‌های پیشگیری، آموزش و بهره‌مندی زنان از روش‌ها و رویکردهای مؤثر و سازنده، عقلی و شرعی، مدافع حقوق زنان به شمار می‌رود. در این راستا، مهیا کردن شرایطی برای بهبود زندگی زنان در چارچوب قوانین موضوعه و همچنین آموزش صحیح به آنان در مدارس، آموزش عالی و بهره‌گیری از نهادهای فرهنگ‌ساز نظیر صدا و سیما می‌تواند گام مهمی برای تحقق حقوق باروری زنان تلقی شود. ضمن اینکه بهره‌گیری از متخصصان دینی زن برای آموزش مسائل جنسی و فرزندآوری از دیگر ملزومات تأمین حقوق باروری زنان محسوب می‌شود که توجه به آن در جامعه اسلامی یک ضرورت اساسی به شمار می‌رود.

بیشتر و لزوم کنترل موالید، فاصله سنی فرزندان و تسلط بر امور فرزندآوری از حقوق زنان در امر باروری به شمار می‌روند که همگی نیازمند بهره‌گیری از آموزش و آگاه‌سازی، به عنوان یکی از مصادیق حقوق باروری در زنان هستند.

### نتیجه‌گیری

حقوق باروری در منظومه فقه و حقوق اسلامی بر مبنای کرامت ذاتی انسان، پویایی فقه و تبعاً حقوق اسلامی در پرتو تحولات زمانه و مسائل مستحدثه و همچنین در نظر گرفتن رویکردهای پزشکی و علمی در زمینه بهره‌مندی زنان از حقوق خاص آنان، قابل تبیین است. بر این اساس قواعدی همچون قاعده لاضرر، لاجرح، قاعده تسلیط (سلطنت) و حق بر خویشتن و ... باعث می‌شوند تا حقوق زنان در زمینه باروری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. قاعده لاضرر بر مبنای اینکه اجاره رحم ضرر شدید و غیر عقلایی را متوجه صاحب رحم و زوج نابارور نکرده و حتی ایشان را منتفع می‌کند، حامی حقوق زنان است. همچنین قاعده لاجرح بر مبنای اینکه ناباروری زنان می‌تواند سختی و مشکلات دیگری از جمله در حیطة روابط خانوادگی برای زوجین پدید آورد، رویکردهای نوین پزشکی را مورد تأیید قرار می‌دهد. چرا که ممکن است ناباروری زنان در جامعه و در خانواده آثار نامطلوب دیگری در پی داشته باشد. از آنجایی که خداوند متعال، سختی و مشکلات و تنگنا را برای بندگان قرار نداده است، همین حکم در زمینه حقوق باروری زنان نیز جاری است.

به علاوه بر مبنای قاعده تسلیط، زنان همچون سایر انسان‌ها، بر بدن خویش از جمله استفاده مشروع از آن تسلط دارند و لذا کسی نمی‌تواند مانعی برای اجاره رحم، باروری، تعداد فرزندان و کاشتن نطفه در رحم دیگری شود. این قاعده فقهی همچنین متضمن این رویکرد است که زنان به عنوان موجودی مسؤول، دارای حق انتخاب هستند و می‌توانند بدون تبعیض از رویکردهای نوین جهت باروری استفاده نمایند. ضمن اینکه حق دریافت آموزش درباره پیشگیری، حق کنترل موالید، حق بهداشت جنسی و سلامت اجتماعی، حق باروری بدون خشونت و تبعیض، انتخاب آزادانه و مسؤولانه تعداد

## References

1. Abbasi. M. Poorfathollah. A. A. Asgari. A. The Right to adopt children with genetic disabilities in international human rights instruments and the Iranian legal System. *Journal of Medical Law*. 2016; 9 (32); pp 89-116. [Persian].
2. Alhoei Nazari. H. Abidinai. M. The Impact of Human Rights Requirments on Pregnancy and Safe Delivery. *Journal Public rights*. 2020; 2 (49); pp 369-388. [Persian].
3. Hakimi. S. Mohammad Alizadeh. S. Reproductive Rights in the Iranian Health System: Achievements and challenges. *Journal of Medical Law*. 2010; 3 (11); pp 125-131. [Persian].
4. Ghaeni. M. Moinifar. M. The Concept, instance and origins of human reproduction and reproduction in Islam and liberal rights. *Jouranal of Medical Ethics and History*. 2016; 7 (2); pp 41-53. [Persian].
5. Noori zad. R. Daneshkohan. A. Bakhtari moghadam. F. Womens rights in pregnancy and childbirth. *Journal Medical Law*. 2013; 6 (21); pp 171-188. [Persian].
6. Ghaeni. M. Moinifar. M. Justifying the right of human reproduction and reproduction in the Quran. *Journal of Strategic Studies of Women*. 2015; 17 (66); pp 195-240. [Persian].
7. Namjoo. B. A New Look at Health and Fertility. Tehran: Publisher Women and Family Cultural and Social Council; 1393. [Persian].
8. Jan qorban. R. Latifneghad rodsari. R. Taghipour. A. Abbasi. M. A Review of the concept and structure of sexual and reproductive rights in international human rights Instrumnts. *Journal Midifery and inferility in Iranian women*. 2015; 17 (100); pp 16-27. [Persian].
9. Mansor. J. Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Publisher Dowran; 2013. [Persian].
10. Alidoost. A.Q. Jurisprudence and Expediency. Qom; Publisher Islamic Culture and thought; 2003. [Persian].
11. Sullivan. L. Surrogacy the case for a conventional approach. *Med Law* 1991; 10 (4); pp 15-40.
12. Ibn Sina Institute. Modern methods of human reproduction from the perspective of jurisprudence and law. Tehran: Publisher Samt; 2002.
13. Khamenei. A. Medicine in the mirror of Ijtihad. Qom: Publisher Ansarian;1996. [Persian].
14. Hore Ameli. M.H. Vasael Alshieh. Beirute: Publisher Dar Alehya Altaras Al-Arabia; 1987.
15. Makarem Shirazi. N. New Esteftaat. Qom: Publisher Imam Ali (A); 2005.
16. khanjani veshki. S. botlani. S. Shahsiah. M. sharifi. E. The effect of sex education on marital quality improvement in couples of Qom. *Interdisciplinary journal of contemporary research in business*. 2012; 4(7); pp 47-134. [Persian].
17. Holy Quran: Asraa 70. Hashr 9.
18. Meshkini. A. Basic Terms. Qom: Publisher Alhadi; 1996. [Persian].
19. Abdi. Y. Ketabi roodi. A. The Position of Right to Health in Islam and International Law. *Journal Social Security Quarterly*. 2015; 4 (44); 101-127. [Persian].
20. Lamieian. M. Mashhoori vayghani. A. Haji Mirzaie. S. Meemarian. Z. Mohammadi. N. Samkan. Z. Human rights from the perspective of reproduction. Publisher Iranian Women and Midwifery. 2014; 8 (2); pp 31-42. [Persian].
21. Bagheri. SH. Malekshah. A. A Comparative study of the right to life of women from the perspective of Islam and the West (with emphasis on international Documents). *Journal of Women*. 2012; 2 (2); pp 1-22. [Persian].
22. Hoseini Sistani. A. Tozih olmasael. Qom: Publisher School Ayatollah Sistani; 2002. [Persian].
23. Mohaghegh Damad. M. Jurisprudence Rules (Civil Sector). Tehran: Publisher Islamic Science; 2005. [Persian].
24. Fooladi. M. Population Reduction The Wests Last Strategy. Qom: Publisher Mastoor; 2016. [Persian].
25. Azimzadeh Ardabili. F. Khosravi. L. A Comparative Study of Womens Rights in Islam and the west: The right to Poltical and Social Participation in Women. Tehran: Publisher Presidential Organization; 2010. [Persian].
26. Javid. M.J. Theory of Relativity in Citizenship Law. Tehran: Publisher Gerayesh; 2010. [Persian].